

بررسی کارنامه سیاسی و اقتصادی آقا نجفی (۱۲۶۲-۱۳۳۲ هـ ق)

علی اکبر تشکری بافقی^۱

زهرا محمدی^۲

چکیده

آیت الله محمد تقی نجفی اصفهانی مشهور به آقا نجفی، در ربیع الثانی ۱۲۶۲ هـ ق / ۱۸۴۹ م به دنیا آمد. شخصیت آقا نجفی علاوه بر بعد مذهبی و علمی دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی است. او فعالیت‌های سیاسی خود را از قیام تنباکو شروع کرد و اوج اقدامات سیاسی او در انقلاب مشروطه بود. اقدامات اقتصادی او در جهت مقابله با نفوذ اقتصادی کشورهای اروپایی بود. او در این راستا ابتدا استفاده از کالاهای اروپایی (روس و انگلیس) را تحریم کرد و استفاده از کالای ایرانی را به صورت عملی ترویج داد. پژوهش حاضر با هدف بررسی کارنامه سیاسی و اقتصادی در دوره قاجار از این نظر اهمیت دارد که قصد دارد به این پرسش‌ها پاسخ دهد: زمانه و شرایط حاکم بر اصفهان چه بازتابی بر کارکرد اقتصادی محمد تقی آقا نجفی داشت؟ اقدامات اقتصادی محمد تقی آقا نجفی چگونه بود و چه میزان در اقتصاد اصفهان مؤثر بود؟ و اندیشه‌های سیاسی محمد تقی آقا نجفی در چه زمینه‌هایی بوده است؟ روش تحقیق در این پژوهش کتابخانه‌ای است و اطلاعات به صورت توصیفی، تجزیه و تحلیل گردیدند.

واژه‌های کلیدی: محمد تقی آقا نجفی، شرکت اسلامی، انجمن مقدس ملی، ظل السلطان، اصفهان.

atashakory@yahoo.com

Zahramohamadi.e.n@gmail.com

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه یزد

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۳

محمدتقی آقا نجفی در زمینه‌های متعددی فعالیت داشته، از جمله زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی که بیش‌ترین تأثیر را در زمینه سیاسی و اقتصادی داشته است. آقا نجفی در سال‌های نخستین زندگی خود را در خاندانی مشهور به علم، تقوا و مجاهدت سپری کرد و پس از طی مراحل اولیه تحصیل، رهسپار عتبات شد. آقا نجفی در سال ۱۳۰۱ هـ. ق / ۱۸۸۴ م پس از وفات پدر، به اصفهان بازگشت و ریاست روحانیت شهر اصفهان را بر عهده گرفت و در مسجد شاه به اقامه نماز جماعت می‌پرداخت به همین جهت خاندان و بستگان او به مسجد شاهی معروف شدند. او در زمینه علمی به تربیت شاگردانی پرداخت و کتب متعددی را در زمینه‌های فقهی و مذهبی تألیف کرد.

پژوهش‌های بسیاری درباره اقدامات سیاسی و همچنین حیات علمی محمدتقی آقا نجفی صورت گرفته است ولی به ندرت به حیات سیاسی، اقتصادی او پرداخته شده است. مهم‌ترین اثر در این باره کتاب «حکم نافذ آقا نجفی» (۱۳۷۱) که توسط موسی نجفی گردآوری شده است. این کتاب بر مجموعه اسناد تأکید دارد. همچنین در کتاب «حریم وصال» (۱۳۸۸) به قلم محمدتقی صوفی نیارکی بعد عرفانی و علمی این شخصیت را معرفی کرده است که در این پژوهش از این آثار استفاده شده است. اهمیت این پژوهش در این است که کارنامه سیاسی و اقتصادی آقا نجفی را در زمینه حمایت از تولیدات داخلی کشور و نقش ایشان در جلوگیری از نفوذ دولت‌های اروپایی در ایران بررسی می‌کند.

۱-۱- زندگی نامه

آیت الله محمدتقی نجفی اصفهانی مشهور به آقا نجفی، در ربیع الثانی ۱۲۶۲ هـ. ق / ۱۸۴۹ م به دنیا آمد. پدرش مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد باقر نجفی، صاحب کتاب هدایت المسترشدین است. مادر آقا نجفی زمزم بیگم دختر دوم مرحوم آیت الله سید صدرالدین از علما و مراجع بزرگ بوده است. آقا نجفی، سال‌های نخستین زندگی را در خاندانی مشهور به علم، تقوا و مجاهدت سپری کرد و پس از طی مراحل اولیه تحصیل در سال ۱۲۸۵ هـ. ق / ۱۸۶۹ م رهسپار عتبات عالیات



شد (مهدوی، ۱۳۶۷: ۲۴۷/۳). آقا نجفی در دوران تحصیل، علاوه بر پدر خود از محضر استادانی بزرگ بهره برد که در شکل گیری شخصیت علمی و معنوی وی نقش موثری داشته‌اند. از جمله: میرزا محمد حسن شیرازی (صاحب فتوای تحریم تنباکو)، شیخ مهدی آل کاشف الغطاء، شیخ راضی نجفی، سید علی شوشتری (صوفی نیارکی، ۱۳۸۲: ۶۷-۴۵).

در حوزه درس آقا نجفی که از هنگام وفات پدرش امامت و تدریس در فقه و اصول را در مسجد شاه اصفهان آغاز نمود، عده زیادی از فضلا و مجتهدان شرکت نموده‌اند. برخی از آنان عبارت‌اند از: حاج شیخ محمد ابراهیم کلباسی، حاج شیخ اسدالله بید آبادی، شیخ اسدالله گلپایگانی، سید محمد باقر موسوی، محمد جواد صافی گلپایگانی، سید حسن واعظ یزدی، و... (مهدوی ۱۳۶: ۳ / ۲۴۷).

شیخ آقا بزرگ تهرانی درباره تالیفات و درس آقا نجفی می‌نویسد: «او دارای تالیفات بسیاری است مجلس درس او پر بود از طلاب و فضلا» (همان: ۲۴۸). وی پس از شمردن تعدادی از آن‌ها، از قول آیت الله شیخ محمد رضا نجفی مسجد شاهی، تالیفات او را بیش از صد کتاب شمرده است. برخی از تالیفات وی عبارت‌اند از: فقه الامامیه، دلایل الاحکام، کتاب المتاجر، حقایق الاسرار، اسرارالزیاره، رساله اجتهاد و تقلید، حاشیه بر جامع عباسی و ... (جابری انصاری، ۱۳۵۸: ۳۴۵). آقا نجفی در اواخر سال ۱۳۳۰ هـ. ق/ ۱۹۱۲ م به بیماری استغناء مبتلا شد و مدت دو سال در بستر بیماری بود و سرانجام در شعبان ۱۳۳۲ هـ. ق/ ۱۹۱۴ م رحلت کرد.

۲-۱- زمانه و شرایط سیاسی و اقتصادی اصفهان در دوره ظل السلطان

مسعود میرزا در سال ۱۲۹۱ هـ ق / ۱۸۷۳ م به حکومت اصفهان منصوب شد. وی نزدیک به سی و چهار سال حاکم اصفهان بود (ظل السلطان ۱۳۶۵: ۹۰). زمانی که ظل السلطان برای حکومت اصفهان انتخاب شده بود، زمین‌های اصفهان و املاک خالصه آن متروک گشته بود و در آن‌ها کشاورزی انجام نمی‌شد. اقدامات دولت نیز برای آبادانی اصفهان بی ثمر بود (جابری انصاری، ۱۳۵۸: ۶۲). ظل السلطان در بدو ورود به اصفهان چنین نوشت: «اصفهان حقیقت یک تل



خاکستر است، به هیچ وجه بوی خیر و آبادی در او نمی‌آید» (ظل السلطان، ۲۳۳: ۱۳۶۵). ظل السلطان که تا آن زمان حکومت‌های یکی دو ساله را در اصفهان تجربه کرده بود، اصفهان را برای اقامت دائمی خود انتخاب می‌کند. ظل السلطان که از قبل با رجال و اعیان و علمای شهر در ارتباط و از اوضاع اصفهان مطلع بود، می‌گوید: «اگر جو هری دارم و نمک به حلال منم و خدا بخواهد اصفهان را نوعی ترقی بدهم که رشک جنان شود» (همان، ۲۳۳).

او در ابتدا کار خرابی کار را به اطلاع شاه رسانید: «که اوضاع بهم ریخته است و ۱۵۰ هزار تومان از اصل مالیات اصفهان از بین رفته است». اولین اقدام او تنظیم اوضاع اقتصادی بود. در یک اقدام بی سابقه بیش از ششصد پارچه آبادی به مدت ده سال اجاره داد تا مستاجران برای آبادانی این روستاها تلاش بیشتری انجام دهند (ظل السلطان، ۱۳۶۵: ۵۱۰).

دوران حکومت ظل السلطان در اصفهان، به قلع و قمع مخالفان و سرکوبی شورش‌های محلی و با افزودن بر دارایی‌های کلان از طریق دست اندازی بر اموال مردم گذشت و از آنجا که مملکت داری در ذهنیت قاجار جایی نداشت اغلب اوقات را به «شکار و بلوک گردی و خوشگذرانی» می‌گذراند، اما با این حال او اقداماتی در جهت آبادانی اصفهان انجام داد که پس از خشک سالی‌های پی در پی در اصفهان، در زمان حکومت او چهره شهر تغییر و ترقی کرد (انصاری، ۱۳۷۹: ۳۷).

او برای آرام کردن شهر و دور کردن آن از دزدی، قمار و دیگر خلاف‌ها، مناصب اداری از جمله داروغه گری احیا کرد و با جدیت آن را دنبال نمود. اصفهان در این زمان مانند پایتخت دوم گردیده و ظل السلطان به افتتاح کارخانه‌ها و شرکت‌ها همت گماشت (کرزن، ۱۳۶۲: ۲/ ۹-۳۸). ظل السلطان به دلیل علاقه به امور نظامی، مکان‌های مختلفی را برای این قبیل امور فراهم می‌کرده است. از جمله عمارت توپ‌خانه در چهار باغ که برای نظامیان و انبار مهمات ایجاد کرده است (رجایی، ۱۳۸۶: ۷۷). او همچنین با کمک گرفتن از اتریشی‌ها، سپاهی هماهنگ برای این شهر تدارک دید (ظل السلطان، ۱۳۶۵: ۳۱۶).

از جمله اقدامات فرهنگی ظل السلطان در اصفهان انتشار روزنامه فرهنگ است که بنابر نوشته محمد محمدی در جمادی الاول سال ۱۲۹۶ هـ ق/ ۱۸۷۹ م به عنوان اولین نشریه اصفهان در



آستانه سقوط میرزا حسین خان سپهسالار منتشرشد (محمدی، ۱۳۸۲: ۶-۷). تأسیس مدارس دولتی نیز از اقدامات او به شمار می‌رود. علاقه او به مدرسه‌ای شبیه دارالفنون، باعث شد تا از ناصرالدین شاه درخواست کند تا تعدادی از تحصیل کرده‌های فرنگ رفته دارالفنون را به اصفهان اعزام کند (ایمانیه، ۱۳۵۵: ۱۵۷). او در سال ۱۲۹۸ هـ.ق/۱۸۸۱ م اولین مدرسه دولتی اصفهان به نام «مدرسه همایونی» به مدیریت و سرپرستی میرزا علی خان ناظم العلوم را در عمارت هشت بهشت، در سال ۱۲۹۸ هـ.ق/۱۸۸۱ م تأسیس و افتتاح کرد (همان، ۱۵۸).

۲-۲- اوضاع اقتصادی:

۱- صنعتی (نساجی)

در بین صنایع اصفهان، صنعت نساجی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بود و سهمی مهم در تأمین درآمدهای شهر بر عهده داشت. صنعت نساجی در اصفهان دوره محمد شاه از رونق بسیاری برخوردار بود. در این شهر پارچه‌هایی بافته می‌شد که با گذشت زمان نه تنها فرسوده نمی‌شد، بلکه به گفته میرزا حسین خان تحویلدار «هر چه استعمال بیشتر می‌شد، از شقیت مثل کشک به هم می‌سایید و مانند ماهوت کرک می‌انداخت و هر قدر ریشه می‌شد کرکش زیادتر می‌شد و رنگش روشن تر می‌گردید» (تحویلدار، ۱۳۴۲: ۱۰۰).

با انقلاب صنعتی اروپا در قرن ۱۲ ق/۱۸ م همه صنایع در اروپا به خصوص صنعت نساجی و ریسندگی پیشرفته شدند و میزان تولید پارچه افزایش یافت که ورود پارچه‌های اروپایی به ایران فزونی یافت. بر اثر ورود کالاهای اروپایی و به خصوص پارچه‌های نخی، صنایع کشور و به ویژه صنایع نساجی شهرهای مرکزی یعنی اصفهان، کاشان و یزد روبه زوال رفت. در کتاب جغرافیای اصفهان آمده است: «سابق پارچه‌ای فرنگی شایع نبود از اعلی و ادنی حتی در ارکان دولت بغضی از شاهزادگان اعظام، قدک پوش بودند. چند سال است پارچه‌های زرد و سرخ باطن سست فرنگستان رواج یافته و عامه به سوی آن رفته و در واقع ضررهایی را سبب شده‌اند» (همان، ۱۰۱).



در افول تولیدات نساجی اصفهان، کالاهای انگلیسی بسیار مؤثر بودند. لرد کزن که در سال ۱۳۰۷ هـ. ق/۱۸۸۹ م از بازار اصفهان دیدن کرده است چنین اظهار دارد: «منچستر کماکان پارچه‌های بازار اصفهان را تأمین می‌کند و این شهر حد نهایی کمال تفوق غیر قابل انکار تجارت انگلستان است» (کزن، ۱۳۶۲: ۵۱/۲). در دوره ناصرالدین شاه به دلیل ورود فرهنگ اروپایی به ایران، پوشاک هم تغییرات قابل توجهی کرد و واردات پارچه هم افزایش یافت. در سال ۱۳۰۳ هـ. ق/۱۸۸۶ م در گزارش‌های واردات اصفهان، پارچه با واردات ۱۴ هزار عدل به قیمت دو میلیون و هشتصد هزار تومان، اولین رقم واردات اصفهان را به خود اختصاص داده است (جناب، ۱۳۷۱: ۱۶۸).

۲- تجارت (تأسیس شرکت‌های تجاری)

پس از پیروزی در نهضت تنباکو طبقه بازرگان اصفهان آماده گام نهادن در مرحله گذر از تجارت سنتی به تجارت جدید بودند. آن‌ها برای گسترش فعالیت‌های بازرگانی و استفاده از فرصت‌های مناسب، جهت جلوگیری از سلطه انحصاری تجار اروپایی از هیچ تلاشی فرو گذاری نمی‌کردند. نقطه اوج حرکت بازرگانان می‌توان در تشکیل شرکت‌های تجاری که به شیوه اروپایی سازمان دهی شده بود، دید (اشرف، ۱۳۷۸: ۷۸-۷۶). بازرگانان تلاش کردند تا خود را با شرایط جدید اقتصادی^۵ اجتماعی هماهنگ کنند. در این بین احداث تلگرافخانه و شروع به کار شعبه بانک شاهنشاهی در اصفهان در سال ۱۳۰۶ هـ. ق/۱۸۸۹ م و به دنبال آن آشنایی با نظام جدید مبادلات به آنان در این تغییرات کمک کرد (عسکرانی، ۱۳۸۴: ۳۴). در اواخر قرن سیزدهم زمان شرکت‌های بزرگی در اصفهان به کار تجارت اشتغال داشتند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: کمپانی تریاک، شرکت اسلامی، شرکت شرافت، کمپانی مسعودیه، کمپانی محمودیه، شرکت اخوت در این میان دو شرکت «مسعودیه اصفهان» و «شرکت اسلامی اصفهان» از اهمیت بیشتری برخوردار بود.

۳- اقتصاد کشاورزی (تنباکو)

تنباکو از جمله محصولات مهم و صادراتی اصفهان بوده که امروزه کشت آن متوقف شده است. اصفهان در عهد صفویه اولین شهری است که مصرف دخانیات در آن گسترش پیدا کرد و اولین

قهوه خانه ها در این شهر ساخته شد و مشتری پسند ترین تنباکو در این شهر تولید و بیشتر آن صادر می‌شود (انصاری، ۱۳۷۹: ۴۳۴).

توتون و تنباکو ایران ممتازی بود و در اروپا خریداران بسیاری داشت، تا آنجا که اروپاییان معتقد بودند که اگر بیشتر مورد توجه و مراقبت باشد از توتون‌های عثمانی بهتر خواهد بود (جمالزاده، ۱۳۶۲: ۳۴). کاشت این توتون و تنباکو در شهرهای شیراز، همدان، اصفهان و کاشان رونق داشت. پیش از توقف کشت تنباکو در اصفهان، یکی از مهم‌ترین مناطق زیر کشت تنباکوی آن شهر «سده» است (انصاری، ۱۳۷۹: ۴۳۴). میزان تولید تنباکو اصفهان در زمان ناصرالدین شاه مقدار قابل توجهی از تنباکوی ایران را تشکیل می‌داد به طوری که «چالز عیسوی» به نقل از روزنامه حبل‌المتین میزان تقریبی صادرات آن را این گونه نوشته است: «از نبودن اتاق تجارت که خروج سیصد هزار کیسه تنباکوی اصفهان رسیده به پنج هزار کیسه...» (عیسوی، ۱۳۶۲: ۱۰۲). تنباکوی مرغوب اصفهان به نام «تنباکوی حکوم» در اروپا خریداران زیادی داشت (جمالزاده، ۱۳۶۲: ۳۴). سالانه در حدود ۳۰۰۰۰ خروار تنباکو از اصفهان به خارج از کشور صادر می‌شد (هولستر، ۱۳۵۵: ۳۳).

۱-۳- کارنامه و اندیشه‌های سیاسی آقا نجفی

۱- اندیشه سیاسی محمد تقی آقا نجفی

نظریه ولایت فقیه که از دست آورد های علمای شیعه است، از قرن پنجم توسط فقهای شیعه ارائه شده است و دامنه آن تا به امروز ادامه یافت. محمد تقی آقا نجفی نیز به صورت جدی به این بحث پرداخته است و در نوشته‌های فقهی خود بخش‌هایی را به این مقوله اختصاص داده است.

آقا نجفی با استناد به متون دینی، ولایت فقها را در امتداد ولایت انبیا می‌داند و معتقد است که «شعاع این ولایت هر آنچه را که مشمول ولایت انبیا باشد در بر می‌گیرد». او برای تشریح و اثبات این مبحث از متونی مثل «توقیع اسحاق بن یعقوب کلینی» استفاده کرده است (نجفی،

۱۳۷۱: ۲۳۹). از نظر او ولایت فقیه و تصدی امور مردم منصبی شرعی است که فقیه به نیابت از امام معصوم بر عهده می‌گیرد. آقا نجفی اقدامات ولی فقیه در عصر غیبت را همانند اقدامات امام معصوم (ع) دانسته و می‌گوید: «به هر حال هر آنچه که اذن امام (ع) در دوران حضور در آن معتبر باشد در زمان غیبت، ولی فقیه در آن معتبر است» (صوفی نیارکی، ۱۳۸۲: ۹۶).

محمد تقی آقا نجفی نظر فقها که معتقد به جهاد در زمان حضور امام زمان هستند، قبول ندارد و معتقد است که جهاد در عصر غیبت را به اذن فقیه جامع شرایط جایز می‌داند (همان، ۹۹). از نظر او مرجعیت فقها در دوران غیبت منحصر به بیان احکام و صدور فتوا نمی‌شود بلکه مربوط به سرنوشت عمومی جامعه است

۲- مبارزات مشروطه خواهی

با شروع مبارزات مشروطه طلبی که در زمان صدرات عین الدوله اتفاق افتاد، مردم اصفهان جریان حوادث تهران را دنبال می‌کردند. در این ایام روحانیت شهر در واقعه چوب زدن طلاب مدرسه صدر و تبعید چهارده تن از آنان خواستار آزادی آنان شدند (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۳۷). همچنین در اعتراض به حضور «نوز بلژیکی» در سمت ریاست گمرک، آقا نجفی از اصفهان به علمای تهران تلگرافی ارسال و از حضور «نوز» ابراز نگرانی می‌کند، زیرا در اصفهان در سال ۱۳۲۳ هـ. ق. ۱۹۰۶ م رئیس گمرک دستور مصادره اموال یکی از تجار می‌دهد. مردم اصفهان که متوجه این موضوع می‌شوند شورش می‌کنند. رئیس گمرک اصفهان از آقا نجفی تقاضای کمک می‌کند. آقا نجفی مانع مردم می‌شود و برای سید عبدالله بهبهانی تلگراف ارسال می‌کند و از حضور اروپاییان در گمرک ایران ابراز نگرانی می‌کند (سپهر، ۱۳۶۸: ۱۶۲). این احساسات ضد بیگانه و همچنین واقعه تحصن مردم در مسجد جمعه تهران که منجر به کشته شدن و زخمی شدن عده ای از مردم شده بود، باعث شد علمای اصفهان در سال ۱۳۲۴ هـ. ق. / ۱۹۰۷ م حکم تکفیر سپهدار را صادر کنند (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۷۱: ۵۰۱). تا اینکه بر اثر بی توجهی‌های عین الدوله به





درخواست‌های مردم و حوادثی که در پایتخت اتفاق افتاد، عده زیادی از مردم و علما به سوی قم مهاجرت کردند و عده ای نیز در سفارت انگلیس تحصن کردند.

یکی از اقدامات مهم علمای مهاجر به قم، تلاش برای اطلاع یافتن علمای مناطق دیگر نسبت به مهاجرت خود و کسب حمایت و تأیید از آن‌ها نسبت به خواسته‌ها و اهدافشان بود. در این راستا، اصفهان و علمای این شهر و در رأس آن‌ها آقا نجفی، برای مهاجرین از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. به همین جهت نماینده ای به نام ملا علی اکبر مجتهد قمی را به اصفهان فرستادند (نجفی، ۱۳۷۱: ۲۵۴). در این زمان مردم اصفهان با مهاجرین و متحصنین همراهی کردند و «حضرت آیت الله آقا نجفی و آقای ثقه الاسلام چند روز است با سایر علما تدارک حرکت دیده‌اند و عازم قم بوده و هستند» (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۷۱: ۴۶۸). از طرفی از اصفهان به صورت مستمر به قم تلگراف فرستاده می‌شد مبنی بر اینکه بر همه واجب است که از مهاجرین حمایت کنند (همان، ۴۷۳). علمای اصفهان برای همراهی با مهاجرین و زیر نظر گرفتن وقایع شیخ العراقین را به قم فرستاد. شیخ العراقین پس از ورود به قم با سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی ملاقات کرد و اظهار کرد مردم اصفهان آماده حرکت به سوی قم هستند و مرا برای کسب تکلیف فرستاده‌اند (عسکرانی، ۱۳۸۴: ۱۱۹). در این زمان نهضت مشروطه که به اوج خود رسید و برخی شهرها از جمله اصفهان را در بر گرفت. سرانجام مظفرالدین شاه در ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ هـ. ق/ ۱۹۰۷ م فرمان مشروطه را صادر کرد. این رویداد مهم در اصفهان با استقبال فراوانی مواجه شد و افرادی مثل نورالله نجفی و محمد تقی آقا نجفی مردم را برای همراهی با مشروطه تشویق کردند.

پس از پیروزی مشروطه در تهران، محمد تقی آقا نجفی به همراه بیست و شش تن از علمای دیگر اصفهان از جمله نورالله نجفی و شیخ مرتضی ریزی با انتشار اعلامیه ای حمایت خود را از مجلس شورای ملی و انجمن مقدس ملی اصفهان اعلام کردند (روزنامه الجناح، ۱۳۲۴ هـ. ق: ش ۳).



همچنین آقا نجفی طی اعلامیه ای جداگانه در هشت بند وظایف سیاسی - اجتماعی مردم را در دوره مشروطیت مشخص کرده است. او در این اعلامیه از همه می‌خواهد تا اتحاد و برادری خود را حفظ کنند و «بدانند که نفاق و اختلاف موجب ضرر مسلمین و تسلط اجانب است». او همچنین توصیه می‌کند تا با فراگیری علوم نظامی از مرزهای ایران دفاع کنند. او همچنین تاکید می‌کند که با تقویت اقتصاد و افزایش تولید پارچه و کالاهای ایرانی «حاجت مسلمین به ملبوسات و اموال خارجی کم شود» این اقدام باید به تدریج و پایدار صورت گیرد (روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، ۱۳۲۵ هـ. ق: ش ۲۴) (نجفی، ۱۳۷۱: ۲۶۱-۲۵۹).

۳- عزل ظل السلطان

ظل السلطان از همان روزهای تأسیس انجمن مقدس ملی اصفهان تصمیم گرفت در آن نفوذ کند و آن را به میل خود اداره کند. به همین دلیل علی رغم مخالفت‌های قبلی و مانع تراشی‌هایی که در راه تشکیل انجمن ایجاد کرد، زمانی که دستور العمل از تهران رسید ناچار آن را پذیرفت. اما او مصمم بود که نگذارد انجمن خارج از حیطه حاکمیت او کار کند. زمانی که انجمن اصفهان افتتاح شد ظل السلطان در سخنرانی خود اظهار کرد: «سیف قاطع نفوذ و تسلط من تقدیم مجلس و حاضر برای اجرای احکام مجلس است و هر حکمی که از مجلس صادر شود به این شمشیر اجرا می‌دارم» (روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، ۱۳۲۴ هـ. ق: ش ۱). اما احکام مورد نظر ظل السلطان که می‌خواست با شمشیر اجرا کند، آن‌هایی بود که خود القا می‌کرد و تمام تلاش خود را کرد که انجمن را به میل خود اداره کند. با همین هدف ملاباشی نزدیک‌ترین مشاورش را به عنوان نماینده خود در انجمن تعیین کرد (عسکرانی، ۱۳۸۴: ۱۲۳). ظل السلطان پس از تعیین نماینده و تصویب نظام نامه، با خیالی آسوده از طرف انجمن، برای تبریک سلطنت محمد علی شاه راهی پایتخت شد.

در شرایطی که مردم اصفهان، از مخالفت‌های شاه با مجلس می‌ترسیدند، ظل السلطان به حضور محمد علی شاه رفت و مورد تفقد او قرار گرفت. توقف طولانی ظل السلطان در تهران به زیان



او تمام شد. با گذشت بیش از یک ماه از توقف او در تهران، فرصت کافی برای نزدیک شدن مخالفان ظل السلطان به یکدیگر فراهم شد. البته در این بین افرادی بودند که از ظل السلطان حمایت می‌کردند و عزل او را از حکومت اصفهان به نفع خود نمی‌دانستند (اوبن، ۱۳۶۲: ۲۹۶-۲۹۵). به همین جهت زمانی که مخالفت‌ها علیه او بیشتر شد شهر به دو دسته طرفداران و مخالفان شاهزاده تقسیم شد حتی کنسولگری‌های دولت‌های روسیه و انگلیس سعی داشتند بر حوادث تأثیر گذار باشند (جابری انصاری، ۱۳۵۸: ۳۵۱).

طیف وسیع مخالفان ظل السلطان، مشروطه طلبان بودند حتی اشخاصی هم به دلیل خصومت‌های شخصی و خانوادگی به مخالفان او پیوستند. حتی ظل السلطان با جریان مشروطیت مانع از آن نشد که طبقاتی از مردم اصفهان، گذشته او را فراموش کنند. از این رو بدون هیچ مقدمه‌ای از ۱ محرم ۱۳۲۵ هـ. ق / ۱۹۰۷ م بازارهای اصفهان بسته شد و مردم به سوی تلگراف خانه رفتند و سه درخواست خود را مطرح کردند: «رفع مخالفین مجلس مقدس ملی تهران، نظام نامه انتظامات بلدیه و عزل ظل السلطان» (روزنامه الجناح، ۱۳۲۵ هـ. ق: ش ۴). ترس از واکنش کارگزاران حکومتی مردم را به سوی مسجد شاه و آقا نجفی و نورالله نجفی کشاند. آقا نجفی و حاج آقا نورالله هم با وکلای اصفهان در مجلس شورای ملی تماس گرفتند و خواستار برکناری ظل السلطان از حکومت اصفهان شدند (عسکرانی، ۱۳۸۴: ۱۲۹). ظرف یک روز شهر به دو قسمت مخالفین و موافقین حکومت ظل السلطان تقسیم شد. طرفداران ظل السلطان هم طی تلگرافی به تهران خواستار ابقای حکومت او در اصفهان بودند (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۱ / ۳۴).

روز بعد دوباره مخالفین ظل السلطان به طرف مسجد شاه رفتند آقا نجفی «حرکت به بیرون شهر فرمودند» اما مردم در حیاط کنسولگری انگلیس تحصن کردند، این تحصن با مخالفت آقا نجفی مواجه شد، اما تلاش آن‌ها برای خارج کردن مردم از کنسولگری بی نتیجه بود (جابری انصاری، ۱۳۵۸: ۳۵۱). با طولانی شدن تحصن در کنسولگری دایره اعتراضات به روستاهای اطراف اصفهان کشیده و بر جمعیت معترضین در شهر اصفهان افزوده شد مردم همچنان در تلگرافخانه،

محل انجمن و مسجد شاه تجمع می‌کردند. میرزا نصرالله مشیرالدوله در تلگرافی از آقا نجفی و حاج آقا نورالله می‌خواهد که مردم را متفرق کنند (نجفی، ۱۳۷۱: ۲۶۷).

مجلس در این مدت شاهد مباحثی راجع به بحران اصفهان بود. در جلسه ۲۴ محرم، ادیب‌التجار نماینده اصفهان، دو تلگراف جداگانه از مردم و علمای اصفهان قرائت کرد. موضوعی که مجلس ظل‌السلطان را فاقد صلاحیت برای ادامه حکومت بر اصفهان مطرح کرد، نه ظلم و ستم او بلکه ملکداری او در اصفهان، دلیل این عدم صلاحیت اعلام شد (روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، ۱۳۲۵ هـ. ق: ش ۱۲). نمایندگان اصفهان می‌گفتند: «وقتی حاکم مالک باشد احتکار می‌کند. در انتخابات دخالت می‌کند تا زمین او مشروب نشده، نمی‌گذارد زمین دیگران مشروب شود و مردم تظلم نمی‌کنند» (همان، ش ۲۳). بالاخره دو روز بعد در تاریخ اول صفر ۱۳۲۵ هـ. ق/ ۱۹۰۷ م ظل‌السلطان از حکومت اصفهان عزل شد. خبر عزل ظل‌السلطان و جانشینی نظام‌السلطنه مافی صبح شنبه به اصفهان رسید.

۱-۴- کارنامه اقتصادی محمد تقی آقا نجفی

۱- تحریم قرار داد توتون و تنباکو

در پی سفر سوم ناصرالدین شاه به اروپا در سال ۱۳۰۷ هـ. ق/ ۱۸۹۰ م دولت انگلیس فرصت مناسب را برای کسب امتیاز انحصار توتون و تنباکو به دست آورد. زمینه سازی آن را به «مآزور تالبوت» از مشاوران و نزدیکان «لرد سالیسبوری» سپرد (کربلایی اصفهانی، ۱۳۷۷: ۲۷). تالبوت نخستین مذاکرات درباره انحصار تجارت توتون و تنباکو را با اعتماد السلطنه آغاز کرد و پس از کسب اطلاعات کافی در این زمینه، امین‌السلطان را با دادن وعده‌های فراوان متقاعد کرد که او نیز موافقت شاه را در ازای دریافت ۲۵ هزار لیره جلب نماید (ملک آرا، ۱۳۶۱: ۱۸۲). ناصرالدین شاه که برای تأمین هزینه‌های سفر خود به اروپا با مشکلات مالی مواجه شده بود با اعطای امتیاز موافقت کرد و پس از مراجعت به ایران در رجب ۱۳۰۷ هـ. ق/ ۱۸۹۰ م. قرار دادی را با تالبوت منعقد کرد. بدین ترتیب در ۲۸ رجب ۱۳۰۷ هـ. ق/ ۱۸۹۰ م. امتیاز توتون و تنباکو به مدت ۵۰ سال





به تالбот داده شد (کربلایی اصفهانی، ۱۳۷۷: ۳۶) به این ترتیب «شرکت شاهنشاهی تنباکوی ایران» با سرمایه ۶۵۰۰۰۰ لیره تأسیس شد. بازرگانان و خرده فروشان توتون و تنباکو و کشاورزان محصولات خود را به یک شرکت انگلیسی می فروختند. تالбот زمانی که به ایران آمد، در حوالی ارگ دولتی مکانی معروف به باغ ایلخانی را خریداری کرد و در آنجا مستقر شد. او کار خود را در سال ۱۳۰۸ هـ. ق/ ۱۸۹۱ م شروع کرد و مأمورین کمپانی در مراکز شهرها و ایالات مستقر شدند و خرید و فروش و جمع آوری توتون و تنباکو را آغاز کردند و از سال ۱۳۰۹ هـ. ق/ ۱۸۹۲ م کار شکل جدی به خود گرفت (آدمیت، ۱۳۶۰: ۵۱-۵۹).

اصفهان در زمان قاجار مرکز فعالیت تجاری شرکت‌های تجاری اروپایی بوده و شرکت‌های انگلیسی از فعال‌ترین آن‌ها ست. از جمله این شرکت‌ها «کمپانی بازرگانی خلیج فارس» با مدیریت شخصی به نام «موئیر» بود، که نمایندگی شرکت رژی را در اصفهان بر عهده گرفت (صفایی، ۱۳۵۳: ۱۰۸). «مک گروئر کار» خرید توتون و تنباکو را برای نمایندگی اصفهان انجام می داد (ناطق، ۱۳۷۳: ۱۱۹). شرکت رژی در اصفهان با حمایت ظل السلطان و کنسولگری انگلیس در اصفهان، نسبت به سایر ایالات از قدرت بیشتری برخوردار بود (آدمیت، ۱۳۶۰: ۳۰). اقدامات شرکت برای کشاورزان و مالکان زمین‌هایی زیر کشت تنباکو بودند، زیان بار بود. کارکنان شرکت انواع بدرفتاری‌ها از قبیل بی احترامی، وارد آوردن خسارت و زیان مالی، ضرب و شتم و تنبیهات بدنی و سایر رفتارهای توهین آمیز در مورد کشاورزان اصفهان انجام می‌دادند (کربلایی اصفهانی، ۱۳۷۷: ۱۱۵-۱۱۶). علاوه بر این منع فروش تنباکو به غیر از شرکت، تزییع حقوق کشاورزان تنباکو، فرصت طلبی عوامل کمپانی در خرید تنباکو کمترین قیمت از جمله رفتارهای نامناسب شرکت در معامله با مردم اصفهان دانست که همین عوامل سبب شد که تجار و کشاورزان همراه علما علیه این قرار داد و اقدامات اعتراض و قیام کنند.

اعتراضات تجار و سخنان علما بر حکومت و دولت تاثیری نداشت و رفتار غیر متعارف کارکنان شرکت مردم را به هیجان آورد. بی تفاوتی حکومت و کارکنان رژی نسبت به درخواست علما و اعتراضات مردمی، روحانیون را برآن داشت تا در این باره چاره ای بیاندیشند. روحانیون، خود از

مصرف توتون و تنباکو امتناع کرده و در منابع مردم را دعوت به این کار کردند (همان، ۱۲۲). در اصفهان رهبری این مبارزه بر عهده محمد تقی آقا نجفی بود. او و برادرش شیخ محمد علی نجفی مردم را به این مبارزه دعوت کردند. قبل از آن تجار اصفهانی از طریق امام جمعه نامه ای به ظل السلطان نوشتند که در آن به اقدامات شرکت رژی و انحصار خرید و فروش توتون و تنباکو اعتراض کردند. ظل السلطان پاسخ تهدید آمیزی به تجار نوشت: «عریضه شما توسط امام جمعه رسید حق این بود که احضارتان می‌کردم، نتیجه گستاخی‌تان را می‌پسیدید، یعنی شما را به چوب و فلک می‌بستند و در حقیقت سرتان را می‌بریدند، که هیچ کس نتواند در امور مملکت چون و چرا کند. اما این دفعه به خاطر امام جمعه از تقصیرتان گذشتم، به شرطی که از فضولی بر اوامر دولت دست بردارید. اعلیحضرت مالک جان و مال اهالی ایران است و بهتر از هر کس صلاح رعیت می‌داند، شما حق ایراد ندارید به کار خودتان پردازید، و به این امور کاری نداشته باشید» (آدمیت، ۱۳۶۰: ۵۰).

تجار و بازرگانان اصفهان که از این اقدام خود نتیجه ای نگرفته بودند به توصیه حاج احمد بنکدار و حاج آقا محمد ملک التجار اصفهانی به علما متوسل شدند و از آنان کمک خواستند. ملا محمد باقر فشارکی، محمد تقی آقا نجفی و برادرش محمد علی ثقه الاسلام وارد جریان شدند و چاره ی کار را در تحریم خرید و فروش و منع استفاده از توتون و تنباکو دیدند. در این زمان، ابتدای فصل برداشت محصول بود این فتوا به اطراف اصفهان رسید (اعتماد السلطنه، ۱۳۷۰: ۷۶۹). بعد از آنکه حکم تحریم از سوی آقا نجفی صادر شد، حکام دولتی و ماموران شرکت رژی احساس خطر کردند. آقا نجفی در سخنرانی‌های خود توتون و تنباکو را شرعاً نجس اعلام می‌کرد. پس از آن آقا نجفی و برادرش محمد علی نجفی اعلاناتی به درب مساجد و در معابر چسباندند و استفاده از توتون و تنباکو را حرام اعلام کردند و کسانی که از اروپاییان و کارکنان شرکت حمایت می‌کنند کافر می‌دانستند (صفایی، ۱۳۵۵: ۴۱).

با اعلام حکم، در اصفهان حوادث تازه ای رخ داد، یکی از تجار معتبر اصفهان ترجیح داد که کلیه موجودی توتون و تنباکوی خود را بسوزاند و آن‌ها را به شرکت رژی تحویل ندهد. ظاهراً این





اقدام و سخنرانی‌های محمد تقی آقا نجفی در مردم تأثیر بسزایی گذاشت و در این بین اعلامیه‌ای به امضای آقا نجفی به دیوارها نصب شد که به کارکنان شرکت رژی نباید اجازه ورود به اماکن عمومی داده شود (نجفی، ۱۳۹۲: ۱۳-۱۷). پس از آن در اصفهان قلیان‌ها در قهوه‌خانه‌ها شکستند کار بالا گرفت و زد و خورد بین مردم و سربازان چند تن کشته و زخمی شدند. آقا نجفی و برادرش به سلطنت ناصرالدین شاه و حکمرانی ظل‌السلطان حمله کردند (همان، ۲۰). پس از آنکه خبر حوادث اصفهان به ظل‌السلطان رسید، ظل‌السلطان پیشکار خود را سراغ آقا نجفی فرستاد و پیغام داد که: «شراب از تنباکو نجس تر است، همان قدر که در باب شرب خمر نهی دارید، در باب تنباکو هم همان قدر بگویید، این اقدامات چه چیز است؟.....» آقا نجفی هم در پاسخ گفت: «تکلیف شرعی ما این است، شما هم به تکلیف عرفی خودتان عمل کنید.....» (صفایی، ۱۳۵۵: ۴۱).

اعلام حکم همراه با اعتراضات مردمی، امنیت و آسایش اروپاییان مقیم اصفهان را به حداقل رسانید، به همین علت آنان به ظل‌السلطان شکایت کردند. ظل‌السلطان دستور داد تا گروهی از مردم را تنبیه کنند تا امنیت اصفهان برقرار شود ولی این قبیل اقدامات مؤثر نبود (کدی، ۱۳۸۰: ۱۲۵). پشتیبانی مردم از حکم تحریم، محمد تقی آقا نجفی را بر آن داشت تا شرکت تجارتي «موئیر» و کالاهای انگلیسی را مورد حمله قرار داد و مردم را از خرید و فروش با آنها نهی کرد (آدمیت، ۱۳۶۰: ۵۴).

ظل‌السلطان در تلگرافی که در ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۰۹ هـ. ق / ۱۸۹۱ م برای ناصرالدین شاه ارسال کرده است، اوضاع اصفهان را چنین گزارش می‌دهد: «از اصفهان - قربان خاک پاک جواهر آسای مبارکت شوم، اگر چه مفصلاً همراه چاپار پست، راپورت روز پنجشنبه و جمعه آقا نجفی و برادرش شیخ محمدعلی و ملاً باقر فشارکی را عرض کرده‌ام و لیکن به واسطه اعلاناتی که در کوچه‌ها چسبانیده‌اند، هر جا که فرنگی می‌بینند داد و فریاد می‌کنند، لاعلاج دیدم به توسط تلگراف عرض کنم در این دو روز در میدان مصلا که در تخت فولاد است اجتماع کرده‌اند که در منبر رفته بر ضد دولت در باب تنباکو و بانک و غیره مطالب بگویند... در منبر و مسجد و



خانه‌شان چه می‌گویند و در مجلس درس چه مذاکره ای می‌نمایند؟ در این سه جا کشیدن قلیان را حرام اندر حرام و حامی فرنگی را کافر و واجب القتل و نوکر و بستگان آن‌ها را نجس العین اعلان کرده‌اند... غلام بی مقدار «مسعود قاجار، ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۰۹» (همان ۲۲-۲۳).

از آنجایی که ناصرالدین شاه می‌دانست، حوادث اصفهان در اعتراض علیه قرارداد رژی، به رهبری محمد تقی آقا نجفی صورت می‌گیرد، طی تلگرافی آقا نجفی را مورد خطاب قرار داد و نوشته است: «جناب آقا نجفی: دوسال قبل که شما در تهران تشریف داشتید و به حضور ما رسیدید، شما را شخص عاقل و دولتمخواه در نظر آوردیم و کمال التفات و مرحمت را درباره شما به عمل آوردیم. همیشه هم در خیال ما بوده و هست که هیچ وقت غیر از مرحمت درباره شما خیالی نداشته باشیم. این روزها بعضی اخبارات نالایق و بر خلاف مصلحت دین و دولت می‌شنوم که در مجالس علما و منابر مذاکره می‌شود، اگرچه باور نکردیم که هرگز علمای اعلام حرفی بزنند و سخنی بگویند که بر خلاف مصلحت دولت و ملت اسلام باشد... البته بعد نکند کاری بشود که بر خلاف رضای ما و دولت باشد» (صفایی، ۱۳۵۵: ۲۴-۲۵).

نتیجه آنکه علی‌رغم فشار ظل السلطان، آقا نجفی خواستار تحریم خرید و فروش کالاهای انگلیسی و تحریم شرکت‌های آنان شد. در این زمان کنسول انگلیس در اصفهان ضمن تأیید همکاری ظل السلطان با شرکت رژی، پیشنهاد کرد آقا نجفی از اصفهان تبعید شود ولی وزیر مختار انگلیس در تهران «فرانک لاسلس» موافقت نکرد. او معتقد بود به دلیل نفوذ بالای محمد تقی آقا نجفی در میان مردم، تبعید او باعث تحریک بیشتر مردم علیه شرکت و قرارداد رژی می‌شود (نجفی، ۱۳۹۲: ۲۵).

از گزارش‌های شرکت رژی چنین به دست می‌آید که حکم تحریم آقا نجفی و حتی صحبت درباره آن در شهرهای دیگر، باعث شکست کار شرکت شده است، لذا نماینده شرکت رژی در اصفهان خواستار لغو حکم تحریم و در صورت عدم پذیرش آن تبعید آقا نجفی و حتی توب بستن منزل ایشان با شدت عمل بود (کربلایی اصفهانی، ۱۳۷۷: ۱۰۶).



در جریان قیام اصفهان علمای اصفهان به میرزای شیرازی نامه نوشتند و از وی در خواست کردند که حکم تحریم تنباکوی آقا نجفی را تأیید کند. دو ماه پس از وقایع اصفهان و سایر شهرهای ایران در اول جمادی الاول ۱۳۰۹ هـ. ق/ ۱۸۹۲ م. از طرف میرزای شیرازی نوشته ای منتشر شد: «الیوم استعمال توتون و تنباکو بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان صلوه الله علیه است محمد حسن الحسینی» (همان، ۱۱۰). حکم میرزای شیرازی را «شیخ محمد علی دهقانی» به اصفهان رساند. پس از حکم میرزای شیرازی، مهم‌ترین اقدام محمد تقی آقا نجفی پاسخ به شبهات و ایفای نقش واسطه میان مردم و میرزای شیرازی بود؛ زمانی که اصالت حکم تحریم میرزای شیرازی در شهرهای مختلف از جمله اصفهان، مورد شک واقع شده بود، از سویی دیگر تلگراف‌هایی به دست او رسیده مبنی بر اینکه قرارداد رژی فسخ شده، میرزای شیرازی به آقا نجفی تلگراف می‌فرستاد. در یکی از تلگراف‌ها چنین آمده است:

«اصفهان ° جناب مستطاب شریعتمدار آقای حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی. از اصفهان، سوالاتی از حکم حقی به حرمت استعمال ذخانیات شده بود. بلی، حکم کرده‌ام. و فعلاً حرام است و تا رفع ید فرنگی بالمره از داخله و خارجه به طریق تحقیق معلوم نشود و خود اخبار (به رفع) نکنیم، حکم منع باقی و اجتناب لازم و رخصت نیست» (همان، ۱۹۴).

۲- تحریم کالاهای اروپایی (کاغذ و پارچه)

یکی از جنبش‌های مهمی که در تاریخ معاصر ایران رخ داده است، جنبش تحریم کالاهای خارجی در جهت استقلال اقتصادی از دولت‌های اروپایی بود. رشد سریع واردات کالاهای اروپایی و تمایل مردم به استفاده از این کالاها سبب کاهش تولیدات داخلی شد. تا اندازه ای که دیگر در بازارهای داخلی نشانی از کالاهای ایرانی نبود (اشرف، ۱۳۵۹: ۹۱). تولیدات داخلی روبه افول نهاد و بسیاری از کارگاه‌های کاشان به عنوان مرکز ابریشم بافی ایران متروک شدند. یزد نیز که از شهرهای مهم صنعتی ایران و مرکز ابریشم بافی بود و به این سرنوشت دچار شد (کرزن، ۱۳۶۲: ۶۶۵-۶۶۸).

در دوران قاجار به دلیل افزایش حجم واردات و خروج مسکوکات نقره کشور، عاقبت محمد شاه تصمیم به اتخاذ سیاست تحریم کالاهای خارجی نمود تا بدین وسیله از خروج بیشتر نقره جلوگیری کند. او به دنبال راهی بود تا از مصرف کالاهای اروپایی جلوگیری کند. به تولید کنندگان چیت جایزه می‌داد و به درباریان تاکید می‌کرد که به تدریج منسوجات ایرانی و شال‌های کرمانی استفاده کنند. پس از ورود بی‌رویه کالاهای اروپایی به کشور و لطمات اقتصادی ناشی از آن، امیر کبیر نیز درصدد برآمد تا خسارت‌های ناشی از آن را جبران نماید. وی در ابتدا با تأسیس کارخانه‌های متعدد پارچه بافی و مصنوعات دیگر توانست بخشی از احتیاجات داخلی را تأمین کند، سپس با تشویق صنعتگران به تولید کالاهای مشابه خارجی، اعزام صنعتگران به خارج کشور سعی در بی‌نیازی کشور به کالاهای خارجی نمود (آدمیت، ۱۳۵۴: ۴۱۴). در سال ۱۲۶۷ ق/ ۱۸۵۱ م زمانی که امیر کبیر و ناصر الدین شاه به اصفهان آمدند و وضعیت صنعت نساجی اصفهان را اسفناک دیدند، «مقرر فرمودند که سالی ۵۰ هزار دست ملبوس نظامی در اصفهان دوخته شود» سال بعد حاکم اصفهان ۴۰۰ دست از این لباس‌ها را به دربار ارسال کرد (رجایی، ۱۳۹۲: ۱۲۰). ظل السلطان در سال ۱۳۰۴ ق/ ۱۸۷۷ م برای ترویج کالای داخلی دستور داد لباس تابستانی سربازان را از «پارچه کش باف» و لباس زمستانی آن‌ها از «پارچه چوخا» باشد که همه ساخته داخل بودند (روزنامه فرهنگ، ۱۳۰۴: ش ۴۱۶). سیاست‌های نادرست دولت قاجار در زمینه تجارت که کاهش تعرفه کالاهای اروپایی و افزایش تعرفه برای تجار داخلی بود، سبب شد تا بازرگانان ایرانی استقلال خود را در امر تجارت از دست بدهند. لذا تجار به کمک روحانیون برای به دست آوردن استقلال سیاسی حرکتی را آغاز کردند تا سبب محدودیت ورود کالاهای فرنگی و رفع وابستگی شود. به این ترتیب که در سال ۱۳۱۵ هـ. ق/ ۱۸۹۷ م. مجدداً اسلام به یاری سید جمال واعظ، ملک المتکلمین و میرزا علی جنان انجمن شرقی را با هدف رفع احتیاج از خارج، ایجاد کردند و مقرر شد روحانیون در منبر در ماه مبارک رمضان مردم را به استفاده از کالاهای داخلی تشویق نمایند (اشرف، ۱۳۵۹: ۱۰۰).





در سال ۱۳۱۵ هـ. ق/۱۸۹۷ م آقا نجفی به دنبال درخواست «انجمن شرقی» که ترغیب مردم به استفاده از کالاهای داخلی را دستور کار قرار داده بود، حکم تحریم کالاهای اروپایی را در اصفهان صادر کرد و به دنبال آن علمای نجف هم فتواهایی را صادر نمودند (رجبی، ۱۳۸۲: ۱۸). در سال ۱۳۲۴ هـ. ق/۱۹۰۶ م محمد تقی آقا نجفی با همراهی سیزده تن از علمای اصفهان و رکن الملک شیرازی نایب الحکومه اصفهان، قراردادی امضا کردند که از این تاریخ به بعد از کاغذ و پارچه‌های ایرانی استفاده کنند چهار بند از این قرار داد به شرح زیر است:

اولاً: قبالیجات و احکام شرعیه از شنبه به بعد روی کاغذ ایرانی بدون آهار نوشته شود اگر بر کاغذ های دیگر نویسند مهر ننموده و اعتراض نمی‌نویسیم. قباله و حکمی که روی کاغذ نوشته بیاورند و تاریخ آن را بعد این قرار داد باشد امضا نمی‌نماییم، حرام نیست کاغذ غیر ایرانی و کسی را مانع نمی‌شویم ما ها به این روش متعهدیم.

ثانیاً: کفن اموات، اگر غیر از کرباس و پارچه اردستانی یا پارچه غیر ایرانی باشد متعهد شده‌ایم بر آن میت نماز نخوانیم. دیگری برای اقامه صلوه بر آن میت بخواهند ما ها را معاف دارند.

ثالثاً: ملبوس مردانه جدید که از این تاریخ به بعد دوخته و پوشیده می‌شود، قرار دادیم مهما ممکن هرچه بدلی در ایران یافت می‌شود لباس خودمان را از آن منسوج ماییم و منسوخ غیر ایرانی را نپوشیم و احتیاط و حرام نمی‌دانیم لباس‌های غیر ایرانی را اما ماها ملتزم شده‌ایم حتی المقدور بعد از این تاریخ ملبوس خود را از منسوج ایرانی بنماییم.

رابعاً: مهمانی‌ها بعد ذلک و لو اعیانی باشد چه عامه چه خاصه باید مختصر باشد (روزنامه حبل المتین، ۱۳۲۴ هـ. ق: ش ۳۳).

در این اعلامیه آقا نجفی همراه با علمای دیگر تعهدات خود را بیان می‌کند و مردم به انجام کاری اجبار نمی‌کنند و برای استفاده از کالای ایرانی از خود شروع می‌کنند و بر ساده زیستی و بر گزاری مهمانی‌های ساده تاکید دارد. ذیل این اعلامیه که امضا و مهر آنان هست، نکاتی در تأیید این مطلب نوشته‌اند مثلاً حاج میرزا مهدی جویباره این قرار داد را موجب کمک به کسبه و ضعفای جامعه دانسته و مخالفت با آن را توهین به شرع شمرده است (نجفی، ۱۳۷۱: ۸۴).



محمد تقی آقا نجفی در سال ۱۳۲۵ هـ. ق. ۱۹۰۷ م طی یک اعلامیه ده ماده ای بر ترویج استفاده از کالاهای داخلی و ترک استفاده از «امتعه فرنگی» تاکید کردند. او با توجه به اینکه اقتصاد کشور با واردات بی رویه کالاهای اروپایی رو به نابودی است استفاده از «البسه و امتعه» ایرانی را رواج می داد و می گفت: «مسلمانان به قدر امکان سعی در ترویج و معاملات ملبوسات اسلامی و امتعه ایرانی نموده باشند که مهما ممکن حاجت مسلمین به ملبوسات و اموال خارجی کم هم که می شود» (روزنامه اصفهان، ۱۳۲۵ هـ. ق. ش ۳۸).

۳- واکنش اقتصادی در برابر اولتیماتوم روسیه

پس از واقعه پارک اتابک، دولت فرصت پیدا کرد تا راهی پیدا کند و وضع آشفته کشور سامان دهد. دولت ایران هم که می خواست اوضاع اقتصادی کشور را بهبود ببخشد پس از مشورت با مجلس موافقت شد که مستشارانی از کشوری بی طرف به ایران دعوت شود و زمام امور امنیتی و اقتصادی کشور را به آنان بسپردند (ملک زاده، ۱۳۷۱: ۱۳۵۵/۶). سرانجام در سال ۱۳۲۹ هـ. ق. ۱۹۱۱ م مجلس تصمیم گرفت عده ای کارشناس از آمریکا برای اصلاح دارایی و خزانه داری کل استخدام کند (همان، ۱۳۵۵). در همان سال هیئت آمریکایی که مأمور انجام اصلاح امور شده بود، وارد تهران شد و شوستر اولین اقدامات خود را برای اصلاح امور مالی کشور شروع کرد. شوستر برای انجام امور از یک تبعه انگلیسی به نام «لکفر»، که از زمان ورودش به استخدام وزارت مالیه در آمده بود، در کار سازمان مالیاتی استفاده کرد. دولت انگلستان به شوستر هشدار داده بود که اگر «لکفر» را به ایران بفرستد، روس ها به موجب قرارداد ۱۹۰۷ به آن اعتراض خواهند کرد (آوری، ۱۳۶۹: ۳۰۵).

در پی اصرار شوستر، دولت روسیه نیروهای خود را وارد ایران کرد و در سال ۱۳۲۹ هـ. ق. ۱۹۱۱ م طی اولتیماتومی برای قبول سه شرط به دولت ایران ۴۸ ساعت مهلت داد: ۱- اخراج شوستر و لکفر از ایران ۲- کسب موافقت قبلی از دولت های روس و انگلیس برای استخدام اتباع خارجی ۳- پرداخت هزینه لشکر کشی به ایران. این اولتیماتوم با مخالفت مردم، مجلس و روحانیون روبرو شد (همان، ۳۰۵).



اولتیماتوم روسه به ایران با واکنش مردم، علمای مناطق مختلف و نمایندگان مجلس مواجه شد. از زمانی که خبر اولتیماتوم دولت روس به اصفهان رسید، اهالی اصفهان به تکاپو افتادند. همه مردم از صبح تا ظهر در انجمن ولایتی اصفهان و از ظهر تا شب هم در تلگراف خانه اجتماع می کردند. علمای اصفهان به دیگر ولایات و ایالات و روسای عشایر تلگراف زده و آنها را علیه روسیه تحریک می کردند. نقش محمد تقی آقا نجفی در این واقعه مهم، محوری و فعال بود و علاوه بر ارسال تلگراف به همه ولایات اصفهان و قم، در قبال اولتیماتوم روسیه واکنش اقتصادی داشتند (روزنامه زاینده رود، ۱۳۳۰ هـ.ق: ش ۳۵).

محمد تقی آقا نجفی پس از اولتیماتوم روسیه به ایران، اعلامیه ای مبنی بر «ترک معامله با بانک استقراض روس و کالاهای روسی» در ۶ ربیع الثانی ۱۳۲۹ هـ.ق/۱۹۱۱ م در شماره ۱۰ روزنامه زاینده رود سال ۱۳۲۹ منتشر کرد: «نظر به مصالح حفظ اسلام، عموم علماء اعلام اصفهان عازم شده ایم و بر خود فرض ذمی اسلامیت نموده ایم که به کلی داد و ستد و معامله با شعبه بانک استقراض روس که اصفهان آمده است موقوف و متروک داریم صلاح مسلمین را نمی دانیم که با او معامله کنند» (روزنامه زاینده رود، ۱۳۲۹ هـ.ق: ش ۱۰).

او همچنین استفاده از قند، شکر و چای روسی را تحریم کرده و از تجار اصفهان می خواهد که در این راه علما را همراهی کرده و تلگرافاتی مبنی بر منع حمل کالاهای روسی به دیگر نقاط بفرستند (همان، ۱۳۲۹). تجار اصفهان، اولین گروهی بودند که از این حکم استقبال کردند و به طرف های تجاری خود تلگراف زدند که از این تاریخ به بعد کالاهای روسی را نه به «شکل امانت» و نه به «شکل خالصه» خریداری و حمل نکنند (روزنامه زاینده رود، ۱۳۲۹ هـ.ق: ش ۲۵).

۴- تأسیس شرکت اسلامی

در سال ۱۳۱۵ هـ.ق/۱۸۹۷ م احمد مجدالاسلام کرمانی به کمک سید جمال واعظ اصفهانی، ملک المتکلمین، سید علی جناب، محمد علی معلم و چند نفر دیگر انجمن به نام «انجمن شرقی» را ایجاد کردند که هدف آن «بی نیازی از تولیدات خارجی بود» (مجدالاسلام کرمانی، ۱۳۴۷: ۳۱۳). اقدامات این گروه با کوشش های حاج محمد حسین کازرونی که برای ترویج پارچه های

ایرانی «انجمن اسلامی» را تشکیل داده بود، هم زمان شد و بدین صورت زمینه برای تشکیل یک شرکت بزرگ تولید منسوجات داخلی فراهم شد. از سویی دیگر پس از قیام تنباکو، دو مجتهد اصفهانی محمد تقی آقا نجفی و نور الله نجفی برنامه ریزی کردند که علاوه بر عدم استفاده از کالاها و پارچه‌های خارجی در زندگی مردم می‌توان امکانات داخلی را جهت تولیدات داخلی فراهم کرد و با ابتکار ایرانی تولید می‌کردند و ملت را برای حمایت از آن تشویق کرد و ابعاد تحریم کالاهای اروپایی را بعد عملی بخشید (نجفی، ۱۳۷۱: ۵۳).

شرکت اسلامیة در ذی القعدة ۱۳۱۶ هـ. ق/ ۱۸۹۸ م. به ریاست محمد حسین کازرونی و همراهی محمد تقی آقا نجفی و نور الله نجفی بنیان گذاری شد. دیگر هیئت امنای این شرکت شامل حاج میرزا محمد مشکی، حاج میرزا اسد الله نقشینه و حاج محمد کاظم مثقالی بود. مدیریت کل شرکت در اصفهان میرزا علی نقشینه (ادیب التجار) بر عهده داشت (همان، ۵۴).

در سال ۱۳۱۶ هـ. ق/ ۱۸۹۷ م آقا نجفی بعد از مراسم نماز جماعت در مسجد جامع سلطانی در سخنرانی مبسوطی ضمن استناد به آیات و روایات از مردم درخواست کرد که از مصرف کالاهای اروپایی خودداری کنند و به مصرف کالاهای داخلی روی بیاورند. بدین ترتیب شرکت اسلامیة که مدتی قبل به وسیله عده ای از تجار اصفهان شکل گرفته بود با حمایت بخشی از روحانیون فعالیت خود را گسترش داد (همان، ۱۷۷-۱۸۳).

سهام شرکت در آغاز ۵۰۰ هزار تومان بود که در غالب ۵۰ هزار سهم ۱۰ تومانی منتشر گردید. سود شرکت برای سال اول شش درصد، و در سالهای بعد دو سالانه بود و سهامداران تا سه سال حق مطالبه سهام خود را نداشتند. در نظام نامه شرکت اعلام شده بود که این شرکت، تجارت کالاهای خارجی نخواهد کرد به استثنای ادوات کارخانه ها، حمل کالاهای داخلی به خارج، مشارکت در راه آهن و راه سازی و تدرارک لباس تمام اهالی ایران که یکی از اهداف شرکت است (ترابی، ۱۳۸۴: ۸۰).

آقا نجفی در سال ۱۳۱۷ هـ. ق/ ۱۸۹۹ م با ارسال نامه‌ای به روزنامه ثریا ضمن اشاره به لزوم استفاده از پارچه‌های داخلی برای تهیه لباس، گفت: «چون در آغاز کار شرکت اسلامیة هنوز





قدری پارچه و منسوجات خارجی در دست مردم و بازار قرار دارد در صدور حکم تحریم منسوجات خارجی تأمل می‌کنیم اما پس از ۶ ماه که کار شرکت اسلامیة سامان گرفت چه بسا حکمی در این باره صادر گردید به همین دلیل به مردم توصیه می‌شود که لباس‌های خود را از محصولات ایرانی تهیه کنند» (معتضد، ۱۳۶۶: ۶۵۵).

همچنین در مکاتبه ای که میان حاج آقا نورالله ثقه الاسلام و آقا نجفی صورت گرفت و روزنامه حبل المتین متن آن را منتشر کرد، آقا نجفی اشاره می‌کند که تشویق مردم برای استفاده از کالاهای داخلی امری شایسته است ولی امکان این وجود ندارد که استفاده از کالاهای خارجی را حرام اعلام کنند، زیرا نمی‌توان لباس مورد نیاز مردم به طور کامل توسط صنعت کاران ایرانی تهیه شود (نجفی: ۱۳۸۴، ۵۰).

این شرکت، که برای تقویت اقتصاد داخلی و مقابله با نفوذ اقتصادی بیگانگان و سلطه آن‌ها بر کشورهای اسلامی تأسیس شد، استقبال مردم را در پی داشت و میزان استقبال مردم از تأسیس این شرکت به اندازه ای بود که در برخی شهرها، از جمله بوشهر و کاشان به هنگام ورود اولین محصولات این شرکت، جشن به راه انداختند. در توصیف این شور و حرارت آمده است: «چنان وجد و سرور در اهالی از وضع و شریف ملاحظه شد که در هیچ عید از اطفال ندیده بودم و در تعریف منسوجات وطنی همین یک نکته شاهد است که بلژیکی‌های مأمورین گمرک و سایر اهالی خارجه از این تن خواه خریدند و نهایت توصیف می‌نمودند» (روزنامه حبل المتین، ۱۳۱۶ هـ. ق: ش ۲۴).

آقا نجفی طی نامه ای به مدیر روزنامه ثریا، از حمایت‌های آن روزنامه از شرکت اسلامیة تشکر کرد و اقدامات شرکت را به منزله «جهاد» تلقی کرد و یکی از از فواید آن را این دانست که منسوجات شرکت «ملت و امت ناجیه را از احتیاج به کفار مانع بزرگی است» وی طی نامه ای دیگر خطاب به مدیر روزنامه حبل المتین، عمل شرکت را موجب قطع نفوذ خارجی در بین خارجی مسلمانان دانست؛ ولی حرام کردن استفاده از کالاهای آن‌ها را در شرایط آن زمان ضروری ندانست (نجفی، ۱۳۷۱: ۷۳). مهم‌ترین فعالیت شرکت تولید پارچه و لباس است اما با توسعه فعالیت‌های اقتصادی شرکت، حوزه کاری از فعالیت‌های نساجی فراتر رفت و به برخی امور



اقتصادی مثل حوزه حمل و نقل و راه آهن، راه اندازی کارخانه نخ ریزی گسترش داد (روزنامه حبل المتین، ۱۳۱۷ هـ.ق: ش ۲۰).

۵- تأسیس شرکت ایران

این شرکت در شعبان ۱۳۱۱ هـ.ق/ فوریه ۱۸۹۴ م در اصفهان تأسیس گردید و به انجمن شرکت عمومی تجاری معروف شد. هدف از تأسیس این شرکت ترویج و پیشرفت در تولید و کاشت توتون و تنباکو در ایران است (معتضد، ۱۳۶۶: ۶۹۱). مؤسسين این شرکت عبارت بودند از: امین الضرب، حاجی آقا محمد صدر ملک التجار، ظل السلطان، میرزا علی اصغر خان امین الدوله، امین السلطان و محمد تقی آقا نجفی (ناطق، ۱۳۷۳: ۲۶۴). سهام شرکت دو میلیون قران بود و هر سهم را هزار قران معین کردند و مشخص شد هر سهام دار دست کم باید بیست سهم بخرد. سهام برای هفت سال و بهره ۵ درصد بود که برای اعتبار بیشتر پای برگه سهام را محمد تقی آقا نجفی مهر می زد (شفقی، ۱۳۸۵: ۳۴۲-۳۴۱).

۶- مشارکت در تأسیس بانک ملی

پس از استقرار مشروطیت زمانی که دولت از مجلس شورای ملی اجازه استقراض خارجی خواست، نمایندگان مردم به منظور قطع نفوذ سیاسی و اقتصادی بانک‌های خارجی و به منظور ترمیم وضع مالی خزانه ضمن مخالفت با استقراض خارجی تأسیس بانک ملی را خواستار شدند، و جمعی از بازرگانان و صرافان متعهد مشارکت در این بانک شدند (رجایی، ۱۳۸۵: ۲۳۰). یکی از موضوعات مهمی که از همان ابتدا در انجمن ولایتی اصفهان مطرح شد کمک به تأسیس بانک ملی بود. محمد تقی آقا نجفی با همراهی بردارش نورالله نجفی از تشکیل بانک ملی حمایت کرده و ایشان طی تلگرافی به روحانیون و مراجع تقلید ایران «تشکیل بانک اسلامی را اقدامی خیر خواهانه برای مسلمانان» دانست و از آنان خواست که از تشکیل بانک ملی به منظور قطع نفوذ بیگانگان حمایت کنند (نجفی، ۱۳۸۴: ۲۳۶). آقا نجفی خود برای عملی کردن این اقدام هزار تومان

از سهام بانک ملی خریداری کرد و اولین شعبه بانک ملی در سرای گلشن واقع در میدان نقش جهان تأسیس شد (رجایی، ۱۳۸۵: ۲۳۰).

نتیجه گیری

با بررسی کارنامه سی ساله فعالیت‌های سیاسی-اقتصادی محمد تقی آقا نجفی، مشخص می‌شود که مهم‌ترین اقدامات او در جهت مقابله با تسلط اقتصادی دولت‌های اروپایی بر اقتصاد کشور بوده است. او به خوبی درک کرده بود که نتیجه این تسلط منحصر به اقتصاد جامعه نیست؛ بلکه تسلط همه جانبه بر سرنوشت مسلمانان است، چنانچه صراحتاً پس از ماجرای تحریم تنباکو می‌گوید: «اگر ما امروز آن اقدام را نمی‌کردیم مسلمانان در مقابل فرنگی‌ها دست به سینه ایستاده بودند»

آقا نجفی به همراه برادرش نورالله نجفی در جهت مقابله با نفوذ اقتصادی دولت‌های اروپایی دست به اقداماتی زدند. اولین اقدام وی تحریم قرار داد توتون و تنباکو است که آقا نجفی با درک شرایط آن روز جامعه ایران، پیش از میرزای شیرازی حکم به تحریم تنباکو داده است پس از قیام تنباکو این اندیشه در ذهن آقا نجفی شکل گرفت که می‌توان ابعاد این تحریم را گسترش داد و با استفاده از امکانات داخلی برای تولید کالا راه استقلال کشور را هموار کرد. او در اولین اقدام، با توجه به اینکه اصفهان یکی از بزرگ‌ترین مراکز تولید پارچه و منسوجات است، حمایت از تولید منسوجات داخلی در دستور کار خویش قرار داد. با حمایت‌ها و تلاش‌های او و همچنین همراهی با علما و تجار سرانجام شرکت اسلامیة در سال ۱۳۱۶ هـ. ق/ ۱۸۹۹ م تأسیس شد

این قبیل فعالیت‌های اقتصادی توانست به تدریج به یک جریان عمومی در سراسر کشور تبدیل شود و حمایت همه جانبه مردم را جلب کند. اما این حرکت‌ها و اقدامات اقتصادی که در ابتدا با سرعت پیش می‌رفت و با تأسیس شرکت‌های تجاری و کارخانه جات به اوج خود رسید، اما پس از مشروطه افول کرد. علت شکست این قبیل اقدامات اقتصادی می‌توان در واردات کالا از کشورهای خارجی، دخالت دولت‌های اروپایی در امور کشور، نا آگاهی تجار به خرید کالاهای



خارجی، نا کار آمدی دولت در شکل گیری کارخانه ها و همچنین استبداد صغیر جستجو کرد. فعالیت‌های سیاسی محمد تقی آقا نجفی نیز در راستای استقلال اقتصادی بود. او در جریان انقلاب مشروطه و تشکیل انجمن مقدس ملی اصفهان همیشه تاکید بر اصلاح امور اقتصادی و جلوگیری از نفوذ اقتصادی انگلیس و روسیه در ایران داشت. او با درک شرایط و اوضاع اقتصادی و سیاسی اصفهان فعالیت‌های اقتصادی خود را انجام داد اما پس از مشروطه و وقوع استبداد صغیر به هیچ نتیجه‌ای نرسید.

منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۵۴). **امیرکبیر و ایران، تهران: امیر کبیر.**
- _____ (۱۳۶۰). **شورش بر امتیاز رژی، تهران: پیام.**
- اصفهانی کربلائی، حسن (۱۳۷۷). **تاریخ الدخانیه (وقایع تحریم تنباکو)، به کوشش رسول جعفریان، قم: الهادی.**
- اشرف، احمد (۱۳۷۸). **موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران دوره قاجار، تهران: زمینه.**
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۷۰). **روزنامه خاطرات، تهران: نوین.**
- انصاری، هرمز (۱۳۷۹). **مقدمه ای بر جامعه شناسی اصفهان، به کوشش احمد جواهری، تهران: نقش جهان..**
- اوبن، اوژن (۱۳۶۲). **ایران و بین النهرین، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.**
- آوری پیتز (۱۳۶۹). **تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیع مهر آبادی، تهران: موسسه مطبوعاتی عطایی.**
- ایمانیه، مجتبی (۱۳۵۵). **تاریخ فرهنگ اصفهان، اصفهان: دانشگاه اصفهان.**
- تحویلدار، میرزا حسین خان (۱۳۴۲). **جغرافیای اصفهان، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: دانشگاه تهران.**
- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۸۴). **تجار مشروطیت و دولت مدرن، تهران: تاریخ ایران.**
- جابری انصاری، محمد حسن (۱۳۵۸). **تاریخ ری و اصفهان، به کوشش جمشید سروشیان، تهران: عرفان.**
- جمالزاده محمد علی (۱۳۶۲). **گنج شایگان، تهران: کتاب تهران.**



- جناب، میر سید علی (۱۳۷۱). **الاصفهان**، به کوشش عباس نصر، اصفهان: گل‌ها، ج ۲.
- رجایی، عبدالمهدی (۱۳۸۵). تاریخ اجتماعی اصفهان در عصر ظل السلطان، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- _____ (۱۳۸۵). **تاریخ مشروطیت اصفهان**، اصفهان: سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری اصفهان.
- _____ (۱۳۸۶). **اصفهان از انقلاب مشروطه تا جنگ جهانی اول**، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- _____ (۱۳۹۲). **تاریخ نساجی اصفهان در دوره قاجار و پهلوی از نگاه مطبوعات و اسناد**، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- رجبی، محمدحسن (۱۳۸۲). **علمای مجاهد**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- روزنامه اصفهان (۱۳۲۵ هـ.ق). حسن خان اعتلاء الدوله، اصفهان.
- روزنامه الجناب (۱۳۲۵ هـ.ق). سید علی جناب، اصفهان.
- روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان (۱۳۲۴ هـ.ق). سراج الدین جبل عاملی، اصفهان.
- روزنامه حیل المتین (۱۳۱۱ هـ.ق). سید جمل الدین کاشانی، کلکته.
- روزنامه زاینده رود (۱۳۲۷ هـ.ق). معین الاسلام خراسانی، اصفهان.
- روزنامه فرهنگ (۱۲۹۶ هـ.ق). میرزا تقی خان کاشانی، اصفهان.
- زرگری نژاد، غلام حسین (۱۳۷۴). **رسائل مشروطیت**، تهران: کویر.
- سپهر، ملک الورخین (۱۳۶۸). یادداشت‌های ملک الورخین، مصحح عبدالحسین نوایی، تهران: زرین.
- شفقی، سیروس (۱۳۸۵). **بازار بزرگ اصفهان**، اصفهان: سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری اصفهان.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۵۵). **اسناد سیاسی دوران قاجار**، تهران: بابک.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۵۳). **آئینه تاریخ**، تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.
- صوفی نیارکی، محمد تقی (۱۳۸۸). **حریم وصال**، تهران: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ظل السلطان مسعود میرزا (۱۳۶۵). **خاطرات ظل السلطان**، به کوشش خدیو جم، تهران: اساطیر.
- عسکرانی، محمدرضا (۱۳۸۴). **نقش مردم اصفهان در نهضت مشروطیت ایران**، اصفهان: نوشته.



- عیسوی، چالز (۱۳۶۲). **تاریخ اقتصادی عصر قاجار**، ترجمه یعقوب آژند، تهران، گسترده.
- کتاب آبی** (۱۳۶۲). گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلستان درباره انقلاب مشروطیت ایران، مترجم میرزا حسن خان اصفهانی، تهران: نشر نو.
- کدی، نیکی (۱۳۵۶). **تحریم تنباکو در ایران**، ترجمه شاهرخ قائم مقامی، تهران: کتاب‌های جیبی.
- کرزن، جرج (۱۳۶۲). ایران و قضیه ایران، ترجمه وحید مازندرانی، ج ۲، تهران: مبارزان، چ ۲.
- کرمانی، محمد ناظم الاسلام (۱۳۷۱). **تاریخ بیداری ایرانیان**، تهران: امیر کبیر.
- مجد الاسلام کرمانی، احمد (۱۳۴۷). **تاریخ انقلاب مشروطیت**، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- محمدی، محمد (۱۳۸۲). **تاریخچه مطبوعات اصفهان**، اصفهان: سازمان فرهنگی شهرداری اصفهان.
- معتضد، خسرو (۱۳۶۶). **حاج امین الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه گذاری صنعتی در ایران**، تهران: جانزاده.
- ملک آرا، عباس میرزا (۱۳۶۱). **شرح حال عباس میرزا ملک آرا**، به کوشش عبدالحسین نوایی، بابک: تهران.
- مهدوی، مصلح الدین (۱۳۶۷). **تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر**، ج ۳، قم: الهدایه.
- ناطق، هما (۱۳۷۳). **بازرگانان در داد و ستد با بانک شاهنشاهی و رژی تنباکو**، تهران: توس، چ ۲.
- نجفی، موسی (۱۳۹۲). **نام‌ها و نهضت‌ها پیرامون نظریه هویت ملی در ایران و بازتاب آن در فرهنگ**، تاریخ و سیاست، اصفهان: آرما.
- _____ (۱۳۷۱). **حکم نافذ آقا نجفی**، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- _____ (۱۳۸۴). **اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی**، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.
- هولستر، ارنست (۱۳۵۵). **ایران در ۱۱۳ پیش**، ترجمه محمد عاصمی، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.